

اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح (۲۱ تا ۲۵ مارس)

از ۲۱ تا ۲۵ مارس، اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح، با شرکت عده زیادی از شخصیت های برجسته علمی، فرهنگی و سیاسی کشورهای مختلف جهان، در مسکو برگزار گردید. در این اجلاس که بمناسبت چهلیمین سالروز غلبه بر فاشیسم دعوت شده بود، تحولات اخیر بین المللی، در جهت تشدید مخاطره جنگ، مسابقه تسلیحاتی و بویژه نظامی کردن عرصه کیهانی مورد بحث قرار گرفت. شرکت کنندگان در این اجلاس، علیرغم مواضع مختلف سیاسی، ایدئولوژیک و ملی خود متفق القول بودند که خطر بسیار بزرگی زندگی انسانی را در سراسر جهان تهدید می کند و برای مقابله با این خطر و دفع آن، باید به اقدامات متحد مجدانه ای دست زد. شرکت کنندگان در این مجمع بزرگ خاطر نشان ساختند که خطر اساسی از سیاست ماجراجویانه دولت ریگان ناشی می شود که با تمام قوا به آتش مسابقه تسلیحاتی دامن می زند و با طرح نظامی کردن فضای کیهانی، بشریت را با مخاطره بی سابقه ای روبرو ساخته است.

در اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح، علاوه بر مسایل عمومی، مسایل ویژه منطقه ای نیز مورد بحث قرار گرفت. در این ارتباط نماینده شورای صلح ایران نیز که در اجلاس شرکت داشت، درباره جنگ پنجساله ایران و عراق سخن گفت و مصائب عظیمی را که از این کشتار سفاکانه ناشی شده است برشمرد. نماینده صلح ایران خاطر نشان ساخت که در هفته های اخیر، جنگ ایران و عراق ابعاد وسیعتری یافته است، و میلیونها انسان بی گناه و بی سلاح، درد و سوی جبهه، زیر آتش بمب و موشکها قرار دارند. او بقیه در صفحه ۶

درباره برخی مسائل تئوری و عمل (پراتیک)

در صفحه ۴

وظائف فعالین صنفی و رفقای حزبی بمناسبت اول ماه مه

روز جهانی کارگر نزدیک است. علیرغم جو خفقان حاکم بر میهن، جوش و خروش انقلابی بر محیط های کارگری بویژه در واحدهای بزرگ حاکم است. کارگران یکسال سراسر مبارزه را گذرانده اند. زمینه های مساعدی وجود دارد که در صورت بهره گیری آگاهانه از آنها می توان صفوف کارگران را متشکل تر کرد و با سازمان دادن مبارزه آنها، سطح جفبش را اعتلا داد. این زمینه ها عمدتاً عبارتند از:

- ناراضیاتی وسیع زحمتکشان از ادامه جنگ، اعزام کارگران به جبهه و اخاذی از آنان بخاطر تامین مخارج جنگ،
- ناراضی شدید از سپردن کارخانجات ملی شده به بخش خصوصی و بازگشت سرمایه داران بزرگ به محیط کار،

بقیه در صفحه ۲



دوره هشتم، سال اول، شماره ۴۴
پنجشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۶۴
بها: ۲۰ ریال

امپریالیسم آمریکا "فاتح" اصلی جنگ فرسایشی ایران و عراق

پیشگاه مردم از حقایق سخن گزیند و تحلیل واقع بینانه ای پیرامون جنگ ارایه دهند. واقعیت آنست که امپریالیسم آمریکا، برافروزنده و برنده اصلی جنگ ایران و عراق، از آغاز جنگ تا کنون بیشترین سود را در راستای بازسازی و استوار ساختن مواضع تجاوزکارانه و غارتگرانه خود در منطقه برده است. امپریالیسم آمریکا به دستاویز تهدید "منافع حیاتی" خود برای تشدید حضور مستقیم نظامی در خلیج فارس و دخالت در امور منطقه وسیعاً بهره برداری می کند. با آغاز جنگ، دهها رزمناو آمریکایی به آبهای اقیانوس هند و در نزدیکی سواحل ایران کسپل گردیدند. پایگاههای نظامی آمریکا در منطقه تجهیز و توسعه یافت. به مسابقه تسلیحاتی، فروش و ارسال سیل آسای انواع جنگ افزارهای پیشرفته به کشورهای ارتجاعی منطقه در ابعاد بی سابقه ای دامن زده شد. هواپیماهای هشداردهنده آواکس آمریکایی نه تنها بر فراز خاک عربستان سعودی، بلکه بر فراز منطقه به پرواز درآمدند. بطور کلی وخامت اوضاع در سراسر منطقه تشدید گردید و به یکی از خطرناک ترین کانونهای جنگ، در جهان تبدیل شد.

بقیه در صفحه ۲

در این روزها خرمن آتش در هر دو سوی جبهه جنگ ایران و عراق، همچنان شعله می کشد. رژیم های ایران و عراق بدون توجه به فراخوان های سازمان ملل متحد، و شورای امنیت و همچنین پادرمیانی جنبش کشورهای غیرمتعهد و دیگر سازمانها و محافل و شخصیت های بین المللی، مبنی بر قطع حمله به آماج های غیرنظامی و پایان بخشیدن به جنگ امپریالیسم برافروخته، بدون وقفه به موشک پرانی، بمب اندازی و گلوله باران مناطق غیرنظامی و هدف گیری مراکز صنعتی دو کشور ادامه می دهند. ره آورد شوم ادامه این بازی خونین با تمام هستی و زندگی دولت، جز به خاک و خون کشیدن شهرها و روستاهای دو کشور و به عزا نشاندن و سیاهپوش کردن ده ها هزار خانواده رنج دیده ایرانی و عراقی و ازهم پاشیده شدن کانونهای خانوادگی محرومان و زحمتکشان و خاکستر کردن ثروت های ملی و فلج کردن اقتصاد دو کشور ایران و عراق نبوده و نیست و نخواهد بود.

در متن چنین رخدادهای خونباری است که خامنه ای، رییس جمهور و رییس شورای عالی دفاع، صدایش از جای گرم برمی آید و می گوید: "دیریا زود تمام شدن جنگ مهم نیست" (اطلاعات ۱۹ (۶۳) ۱۰).

اوضاع نابسامان بلوچستان و وظائف نیروهای مترقی

قاچاق و اعتیاد به شکل گسترده و مسایل دیگری از این دست، موجب گسترش ناراضی در این خطه از میهن پلاکشیده ما شده است. سازمان جنبش خلق بلوچ "بلوچ راج زرمیش" ایران، طی اطلاعیه ای خطاب به مردم مبارز ایران و خلق مبارز بلوچ، اعلام داشته است که "رژیم جنایتکار و ضدبشری جمهوری در ادامه سیاستهای خیانتکار خود در سراسر ایران و خصوصاً بلوچستان توطئه های جدیدی را علیه توده های زحمتکش زجر دیده بلوچستان در دست اجرا دارد. حکام جمهوری اسلامی برای این بقیه در صفحه ۶

وضعیت سیاسی و اقتصادی در بلوچستان به شدت بحرانی و ناآرام است. بازگشت تدریجی آنها و سلطنت طلبان فراری با پشتیبانی سران رژیم ج.ا. و همکاری مستقیم و غیرمستقیم حکومتهای ارتجاعی خلیج فارس و پاکستان، دستگیری هزاران نفر از آزادیخواهان و مردم عادی بلوچ، افزایش دامنه فقر و بیکاری، بی سوادی، کمبود آب آشامیدنی و تغذیه نامناسب، وضع اسف بار بهداشت و درمان و آموزش و رشد مرگ و میر و بیماریهای واگیر، بویژه در روستاها، عوارض زندگی با ابتدایی ترین شکل در دخمه ها و کپرها، رواج

خامنه ای توضیح نمی دهد که برپایه کدام تحلیل و به حساب و به سود چه کسانی "دیریا زود تمام شدن جنگ مهم نیست". وی همچنین اعلام می دارد: "جنگ قطعاً فاتح خواهد داشت" (مانچا).

ولی از "فاتح" اصلی میدان جنگ ایران و عراق که از هر روز و ساعت و لحظه ادامه آن بیشترین سود را بدست می آورد، نام نمی برد. طبیعی است این حقیقت که "فاتح" اصلی این جنگ امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است، هرگز بزبان سردمداران رژیم ج.ا. جاری نشود. زیرا خیانت کاران به آماجهای انقلاب بهمین و جنگ طلبان هراس دارند تا در

وظائف فعالین صنفی ۰۰۰

بقیه از صفحه ۱
نارضایتی فوق العاده وسیع از سطح نازل دستمزد، گرانی مایحتاج عمومی، توزیع ناعادلانه و غارتگری تجار بزرگ بازار،

نارضایتی وسیع از سرکوب خشن اعتصابات کارگری، بازداشت کارگران و قلع و قمع تشکل های کارگری و نفرت از خلفان سیاسی حاکم بر کشور،

خواست کارگران مبنی بر تعطیل روز اول ماه مه، حق برگزاری آزادانه و مستقل مراسم توسط کارگران.

فعالین جنبش سندیکایی وظیفه دارند در زمینه های فوق همه ابتکارات خود را بکار گیرند.

تشکیل کمیته یا کمیسیون های تدارک مراسم روز کارگر اولین اقدام است. این کمیته ها می توانند با دعوت از کارگران مورد اعتماد زحمتکشان در هرواحد تشکیل شوند. کمیته درباره چگونگی برپایی مراسم در داخل واحد و یا مراسم مشترک با واحدهای مجاور، شعارها و برنامه های مراسم باید از نظرات کارگران مطلع باشد و پیشنهادهای خود را به آنان ارایه دهد. برنامه های زیر زمینه دارد و می توان برای پیاده کردن آنها به کار علنی وسیع پرداخت:

برپایی مسابقات ورزشی بین کارگران واحد و یا بین کارگران کارخانجات یک منطقه بمناسبت اول ماه مه،
برپایی مراسم مشترک بین چند کارخانه مجاور،

تهیه قطعنامه برای قرائت در مراسم و انعکاس خواست کارگران بویژه افزایش دستمزد و حق تشکیل انجمن های صنفی (موضوع اصل ۲۶ قانون اساسی) و خواست مشارکت نمایندگان واقعی کارگران در تدوین قانون کار - مخالفت با واگذاری کارخانه ها به بخش خصوصی - مخالفت با اخراج ها.

قطعنامه هایی را که در مراسم به تصویب کارگران می رسد باید وسیعاً برای مطبوعات، رادیو - تلویزیون مقامات مملکتی و وزارت کار فرستاد. علاوه بر این فعالین سندیکایی باید این خواست ها را در کانون های هماهنگی شوراها و خانه کارگر مطرح کنند و خانه کارگر را زیر فشار بگذارند تا در زمینه های فوق موضع گیری کند.

اقدامات زیر باید هوشیارانه و با در نظر گرفتن فعالیت سخن چینان رژیم سازمان یابد:
۱- تبلیغ علیه ادامه جنگ با ذکر آمار تلفات انسانی و نابودی تاسیسات اقتصادی کشور،

۲- تبلیغ و سازمان دادن مخالفت کارگران با کار کردن در روز اول ماه مه. با احتمال زیاد رژیم امسال نیز برنامه افزایش تولید در روز کارگر را اعلام خواهد کرد. فعالین سندیکایی باید بکوشند

امپریالیسم آمریکا "فاتح" اصلی جنگ فرسایشی ایران و عراق

باقیه از صفحه ۱
در پیامد او جگیری ناامنی در خلیج فارس و بروز دشواریهایی در صدور نفت، رژیم ج.ا. با پاشیدن بذر این فکری اساس که بستن تنگه هرمز بیشترین زبان را به اقتصاد آمریکا وارد خواهد ساخت، هماهوی تبلیغاتی گسترده ای به راه انداخت. ولی واقعیات نشانگر آنست که امپریالیسم آمریکا از مجموعه هیاهوهای تبلیغاتی و ماجراجوییها و تشنجات منطقه حداکثر بهره برداری سیاسی، نظامی و اقتصادی را بعمل آورده و می آورد. زیرا مثلاً به اعتقاد کارشناسان نفتی تشدید وخامت و ناامنی و حتی بسته شدن تنگه هرمز، سودهای بادآورده شرکتهای نفتی را بیش از پیش افزایش خواهد داد و اقتصاد آمریکا از این رهگذر کمترین زیان را متحمل خواهد شد، چون در حال حاضر تنها ۴ درصد نفت آمریکا از منابع نفتی خلیج فارس تامین می شود و ذخایر درازمدت و تجاری نفت ایالات متحده آمریکا ۴۲ میلیارد بشکه است. این ذخایر عظیم به آمریکا اجازه می دهد تا مذتها به روی پای خود بایستد و در همان حال این امکان را فراهم ساخته است که دولت ریگان پیوسته به مانورهای سیاسی و نظامی رنگارنگی دست بزند. نباید از نظر دور داشت که شعله ور ماندن آتش جنگ ایران و عراق هم به حساب حراج نفت هردو کشور و به زیان اقتصاد و درآمد ملی آنها ادامه می یابد.

در شرایط کنونی ایران با فروش ارزان قیمت نفت با تخفیف های بیش از ۲ دلار و پذیرفتن جبران افزایش قیمت بیمه شرکت های کشتیرانی برای خریداران نفت ثروت ملی مردم ماه جنگ را ادامه می دهد.
تشدید و تشنج در منطقه و بالا گرفتن تهدیدات ایران دایر بر بستن تنگه هرمز، عراق، کویت، عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی را بر آن داشت تا طرح ساختمان خط لوله نفت رسانی به دریای سرخ و دریای مدیترانه و خلیج عمان را

که با کم کاری در این روز، رژیم را رسوا کنند. کارگران باید تشویق شوند که چند ساعت زودتر از پایان ساعات کار، دست از کار بکشند و در مراسم روز جهانی کارگر که در کارخانه برپا می کنند شرکت نمایند.
۳- در مراسم فرمایشی سپاه پاسداران و بسیج شرکت نکنند.
۴- از خانواده های کارگران بازداشتی و زندانی دیدار کنند و همبستگی خود را با آنان اعلام دارند، هدایایی برای فرزندان این کارگران با خود ببرند.
۵- در مورد ابعاد وسیع حرکت های اعتصابی در سال ۶۳ با کارگران گفتگو کنند.

به جنگ ایران و عراق که یگانه "فاتح" آن امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است، باید پایان داده شود!

بقیه در صفحه ۷

مبارزه در راه قطع فوری جنگ وظیفه هر ایرانی میهن دوست است

درس‌یاه‌چال‌ها چه می‌گذرد؟

شمه‌ای درباره سیاه‌چال مخوف اوین

از وضع زندانیان توده‌ای، مخصوصاً بخشی از کادر رهبری و رفقای شبکه مخفی و نظامی حزب اطلاع دقیقی در دست نیست. تنها خانواده‌های آنها در ملاقاتهای احتمالی می‌فهمند که آنها هنوز زنده هستند یا نه. مسئولین زندان این ملاقاتهای چند دقیقه‌ای را هم به بهانه‌های گوناگون قطع می‌کنند. خانواده بعضی از زندانیان ماهها و چه بسا سالهاست که از وضع عزیزانشان بی‌خبرند. هنگام ملاقات کلیه مکالمات زندانیان با خانواده‌هایشان ضبط می‌شود. پس از ملاقات، زندانیان زیر مهمیز بازجویی‌های جدید می‌روند. نامه‌هایی که زندانیان برای خانواده‌هایشان می‌نویسند، دقیقاً و کلمه به کلمه کنترل می‌شود. از زندانیان خواسته می‌شود که حداکثر پنج یا شش سطر نامه بنویسند، آن هم هر چند ماه یکبار. بارها و بارها دیده شده است که نامه زندانی پس از چندماه به خودش بازمی‌گردد.

تعداد زیادی از زندانیان سیاسی مدت‌هاست که در سلولهای انفرادی به بند کشیده شده‌اند. چشمهای آنها اغلب بسته است. ناراحتی چشم و اعصاب از عوارض وحشتناک بستن چشمهاست. بازجویی این زندانیان نیمه‌های شب، یعنی هنگام خواب، آغاز می‌شود. زندانی را از چند ساعت پیش از بازجویی سرپا نگه می‌دارند، سپس بازجویی و تعزیر شروع می‌شود. برای کسی که تعزیر نشده است، تصور این کار غیرانسانی سخت است. باید گفت که تعزیر و واقعا وحشتناک است. "حاکم شرع" و بازجو پشت میزی انباشته از شیرینی و میوه و چای نشسته‌اند و در جریان "سین جیم" به اشاره بازجو، "حاکم شرع" حکم تعزیر را صادر می‌کند. بازجو با کابل به جان زندانی می‌افتد و تا آخرین حد توانایی خود او را شلاق می‌زند. زدن شلاق دو نوع است: یک نوع که به تمامی بدن زده می‌شود (سر، گردن، کمر، پا و...) نوع دیگر که به یک جای بدن، و اغلب به کف پا زده می‌شود. تحمل نوع دوم خیلی خیلی سخت است. زخمهای اکثر رفقای توده‌ای (که تقریباً بلااستثنا تعزیر شده‌اند) عفونی می‌شود و مسئولین زندان از مداوای آنها خودداری می‌کنند. عینکهای اغلب زندانیانی که چشم آنها ضعیف است در جریان بازجوییهای اولیه شکسته شده است. بعضی از این زندانیان به مرحله نابینایی رسیده‌اند. به آنها گفته می‌شود که با چشم بسته چه نیازی به عینک دارید؟ راهروهای اوین عموماً پر از زندانی‌هایی است که چشم بسته‌اند و حق حرف زدن باهم را ندارند. ای بسا زنها و شوهران که در یک راهرو نشسته‌اند اما از وجود هم بی‌خبرند.

شب ۲۲ دیماه گذشته، زندانیان اتاق ۶۸ راهب چرم بلند حرف زدن و خندیدن (۱) در ساعت ۱۲ شب از بند بیرون کشیدند و در سرمای وحشتناک منطقه کوهستانی زندان اوین، بایک زیرپوش

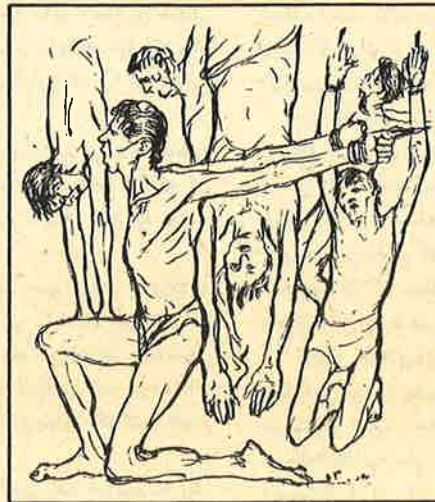
وجود ندارد. در بند بسته، هر زندانی با چشمهای بسته در سلول خود نشسته است و "غذا" از زیر در با کاغذهای مخصوص به جلو و عقب کشیده می‌شود. نبردن زندانی به دستشویی و یا دیر بردن او، جزو مجازاتهای معمولی است.

اکثر سلولهای اوین، پراز بچه‌هایی است که همراه مادرانشان دستگیر شده‌اند و طبیعتاً همگی در شرایط وحشتناکی به سر می‌برند. برای مجازات مادران گاهی از دادن شیر و دیگر چیزهای ضروری برای بچه‌ها خودداری می‌شود. این بچه‌های بیگناه محکوم شده‌اند که همراه با مادرانشان شرایط فاشیستی زندان اوین را تحمل کنند. تاکنون دهها تن از این کودکان مادران و سرپرستهای خود را از دست داده‌اند.

از سال ۱۳۶۱ ستادی تحت عنوان "ستاد پی‌گیری فرمان امام" تحت نظر شخصی بنام "حاجی ربیعی" تاسیس شده است. خانواده‌های زندانیان سیاسی برای تحقیق در مورد عزیزانشان به این شخص رجوع می‌کنند. مثلاً اگر - راست یا دروغ - به آنها خبر داده باشند که فرزندان خود کشتی کرده است ولی پس از مدت معینی به آنها پاسخ می‌دهد که، بله، همینطور است. من خودم پرونده‌اش را خواندم. اگر یک زندانی اعدام شده باشد اما خانواده وی از محل دفن وی بی‌خبر باشند، "حاجی ربیعی" پاسخ می‌دهد که، زندانی شما "کافر" است و به درک واصل شده، نباید محل قبر او برای شما مهم باشد. در حقیقت کار "ستاد پی‌گیری..." تأیید جنایاتی است که در اوین و دیگر زندانهای ج.ا. مرتکب می‌شوند. "حاجی ربیعی" اغلب برای اینکه از خشم مردم در امان باشد چندتایی از بزن بهادرها و چاقوکش‌ها را در طرف خود می‌نشاند که هنگام زدوخوردهای احتمالی هوایش را داشته باشند. "حاجی ربیعی" هنگام برخورد با خانواده‌های زندانیان سیاسی آنها را شدیداً مورد توهین قرار می‌دهد و اغلب در پاسخ به پرسشهای آنها که مثلاً چرا فلان کار را کرده‌اید؟ می‌گوید: "دلما می‌خواهد، چشمتان کور و...".

با تمام این احوال جو مقاومت در زندان چشمگیر است. بدهی است که فشارهای روحی و فیزیکی روی اینگونه رفقا فوق العاده زیاد است. سال گذشته و امسال رفقای توده‌ای توانستند با وجود شرایط سخت و جورعب و وحشتی که بر سیاه چال مخوف اوین حاکم است سالگرد تاسیس حزب توده ایران را مخفیانه جشن بگیرند. در زندانهای ج.ا. تلاش همه نیروهای مترقی برای نزدیک شدن به هم و اتحاد هرچه بیشتر نتایج مثبتی در پی داشته است. هرچه زمینه اتحاد محکمتر می‌شود، دشمن علیرغم آن که در اعمال فشار به زندانیان سیاسی به فاشیستی‌ترین عملیات دست می‌زند، زبونتر می‌شود و شوم‌گازیر از عقب نشینی است.

حدود یک ساعت و نیم سرپا نگه داشتند. اغلب زندانیان اتاق ۶۸ پس از آن به سینوزیت و برونشیت مبتلا شده‌اند. موارد زیادی از ابتلا به بیماری سل در میان زندانیان دیده می‌شود. از ریه برخی از آنان همراه سرفه خون به بیرون می‌جهد. سنگ کلیه و ناراحتیهای معده جزو بیماریهای معمولی است و موارد زیادی انفارکتوس قلبی دیده شده است. مسئولین سیاه چال اوین از قبول کردن لباس برای زندانیان سیاسی خودداری می‌کنند. محیط زندان اوین



غیر بهداشتی است. استفاده از حمام به سختی صورت می‌گیرد. غذای زندان بخور و نمیر است. به زندانی آنقدر غذا می‌دهند که از گرسنگی نمیرد. استفاده از رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها تنها در محدوده بحثهای مذهبی امکان پذیر است. زمان پخش برنامه‌های مذهبی - که اغلب زندانیان ناچار از شرکت در آنها هستند - نیروهای فشار به بهانه‌های گوناگون زندانی را مورد آزار و شکنجه قرار می‌دهند. کافی است که کسی توجهی به سخنرانی نداشته باشد حسابش پاک است. می‌گویند، توهین کرده‌ای، بی‌اعتنایی کرده‌ای و... در کتابخانه‌های اوین از کتابهای علمی خبری نیست. فقط کتابهای مذهبی، که "بهترین" آنها آثار مطهری است.

بعضی از بازجوها گفته‌اند که ماهه سال سابقه کارداریم. این بدان معنی است که ساواک در سیاه چال اوین کماکان اهرمهای قدرت را در دست دارد. بندهای اوین بنامهای بند "درباز"، "در بسته"، و "تنبیهی" نامگذاری شده است. در بند باز، ضمن وجود همه مسایل و مشکلات، علیرغم بسته بودن چشم امکان آن وجود دارد که گاهی چند کلمه‌ای بین زندانیان رد و بدل شود، اما در بندهای در بسته و تنبیهی چنین امکانی

مردم آزادیخواه ایران! برای نجات جان زنده‌بگوران سلول‌های زندان اوین و دیگر زندانها، صدای اعتراض خود را بلند کنید!

بقیه از شماره قبل

درباره برخی مسائل تئوری و عمل (پراتیک)

متحدین پرولتاریا چه کسانی هستند

منقدین ما بی آن که درک عمیقی از مارکسیسم - لنینیسم و مشی سیاسی حزب توده ایران داشته باشند، نخست خودسرانه "مارکسیسم ویژه‌ای" را به ما نسبت می دهند و سپس به "رد" آن می پردازند. مثلا، در توصیف مشخصات این مارکسیسم می نویسند: "نخست آنکه این مارکسیسم طبقه کارگر را صرفا به مثابه یکی از نیروهای جبهه خلق در تقابل با سلطه امپریالیسم می شناسد و برایش مبارزه طبقاتی چیزی جز مبارزه بلوک خلق یعنی پرولتاریا و متحد "بی چون و چرایش" خرده بورژوازی علیه سلطه امپریالیسم و پایگاه داخلی نیست. دوم آنکه مبنای مارکسیسم برای تمیز منافع طبقه کارگر از سایر اجزای خلق، اصول ویژه ایدئولوژیک خود اوست، به عبارت دیگر طبقه کارگر به مثابه یکی از نیروهای ضد امپریالیست تنها در ارتباط با اصول ویژه ایدئولوژیک نمایندگانش از سایر متحدین طبیعی ضد امپریالیستی اش باز شناخته می شود و برای ترسیم جایگاه طبقه کارگر در میان متحدین ضد امپریالیستی اش مرزهای ایدئولوژیک را جایگزین مرزهای طبقاتی می کند".

آشفتنگی نظری از لابلای این سطور به طرز آشکاری دیده می شود. تنظیم کنندگان این سند، نخست مراحل گوناگون انقلاب و نیروهای محرکه آن را آنچنان که باید و شاید تمیز نمی دهند. دوم آنکه فقط به نوعی مبارزه طبقاتی ویژه خود معتقدند.

حال ببینیم حزب توده ایران در این باره چه گفته و می گوید. به برنامه حزب توده ایران مصوب سال ۵۴ که مورد نظر منقدین ما است مراجعه می کنیم. در آن برنامه ما خاطر نشان ساختیم که جامعه ایران به یک تحول بنیادی (تکرار می کنیم به یک تحول بنیادی)، به انقلابی که عرصه های مختلف زندگی را در برگیرد و آن را در جهت منافع خلق دگرگون کند، نیازمند است.

ما گفتیم، "این انقلاب در مرحله کنونی تاریخی رشد جامعه ما یک انقلاب ملی و دمکراتیک است که محتوی آن عبارت است از: کوتاه ساختن دست انحصارهای امپریالیستی از منابع طبیعی و اقتصادی کشور و تأمین استقلال کامل اقتصادی و سیاسی ایران، برچیدن بقایای نظامات ماقبل سرمایه داری و اتخاذ سمت گیری سوسیالیستی، دمکراتیزه کردن حیات سیاسی و فرهنگی کشور". شرط اساسی که ما برای تأمین پیروزی انقلاب ملی و دمکراتیک با محتوای ذکر شده پیشنهاد کردیم، ایجاد جبهه واحد کلیه نیروهای ملی و دمکراتیک بود، که "اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی" آن را می بایست تشکیل دهد. ما در آن هنگام برای اینکه راه هر گونه سوء استفاده "چپ" را بسته باشیم تأکید کردیم، "از آنجا که طبقه کارگر و حزب آن رکن اساسی جبهه واحد است، وحدت طبقه کارگر مهمترین شرط و میرم ترین وظیفه در ایجاد یک اتحاد وسیع ملی و دمکراتیک و تشکیل جبهه واحد است. حزب توده ایران برای وحدت همه مبارزان طبقه کارگر و وحدت عمل با سایر نیروهای ملی و دمکراتیک با تمام قوا کوشیده و می کوشد..." (اسناد و دیدگاهها، ص ۶۱).

این چکیده نظر ماست. کجای این نظر با مارکسیسم - لنینیسم در تضاد است؟ کاربردست خلاق مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط مشخص هر کشور و وظیفه حزب طبقه کارگراست. "چپ انقلابی" که نتواند دیالکتیک پدیده های عام و خاص و مفرد را که در مسیر تکامل وجود دارد، دریابد و پیوند میان آنها را در سراسر فعالیت خود با بینش خلاق در نظر بگیرد، نباید خود را "چپ" و انقلابی بنامد.

ناگفته پیداست که شیوه دیالکتیکی توجیه علمی خط مشی سیاسی و استراتژی و تاکتیک سازمان انقلابی، بیش از هر چیز مستلزم آگاهی از قانونمندی های عام انقلاب و راه رشد سوسیالیستی و نیز کاربردست خلاق این قانونمندی ها با توجه به شرایط مشخص اجتماعی و تاریخی هر کشور است. چنانکه گفتیم، هیچ کمونیستی نمی تواند پیوند متقابل مبارزه در راه وظایف دمکراتیک و فعالیت سوسیالیستی را از نظر دور بدارد. وضع کنونی کشور ما دامنه مبارزه عمومی دمکراتیک قشرهای وسیع مردم را وسعت می

بخشد و این امکان را پدید می آورد که مرحله خاص مبارزه در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح در مسیر انقلاب متمایز گردد. آیا حزب طبقه کارگر نباید این نوع مبارزه را در شرایط تاریخی - مشخص کشور ما مد نظر قرار دهد؟ باید پیوند متقابل این مبارزه را با مبارزه در راه سوسیالیسم درک کرد.

مراحل بینابینی راه تکامل انقلاب را نمی توان و نباید از نظر دور داشت، آنها در جامعه ای با ساختار طبقاتی تکامل نیافته. تعیین شعارهای استراتژیک بر اساس مبانی علمی در مراحل بینابینی انقلاب، امکانات لازم را برای سمتگیری دقیق حزب طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان هنگام گذار از یک مرحله به مرحله دیگر و تعیین آهنگ پیشروی و تداوم انقلاب، فراهم می سازد.

در مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک و نیز تداوم آن حزب طبقه کارگر موظف است ناپرابری های موجود در زمینه تناسب نیروهای طبقاتی را از طریق گسترش و تحکیم مناسبات طبقه کارگر با متحدینش جبران نماید. و این نیز فقط در جبهه واحد نیروهای محرکه انقلاب امکان پذیر است.

چرا باید خرده بورژوازی متحد پرولتاریا در مبارزه علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی نباشد؟ آیا خود این مبارزه دارای خصالت طبقاتی نیست؟ برخلاف آنچه منقدین ما به حزب توده ایران نسبت می دهند، ما اتحاد طبقه کارگر و متحدین طبیعی آن، یعنی دهقانان تهیدست را استخوان بندی جبهه ای می دانیم که می باید انرژی پرولتاریا را تقویت بخشد. مارکسیست - لنینیست ها معتقدند که اتحاد طبقه کارگر با لایه های غیر پرولتری زحمتکشان شرط ضرور انقلاب سوسیالیستی نیز هست. متحد عمده پرولتاریا در کلیه انقلابهای سوسیالیستی پیروزمند دهقانان بوده اند. انقلاب اجتماعی بدون جلب دهقانان (که نصف اهالی کشور ما را تشکیل می دهند) غیرممکن است. جلب لایه های بینابینی شهری نیز بسوی طبقه کارگر در مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک و هم در مرحله انقلاب سوسیالیستی حائز اهمیت فراوانی است.

حیرت آور است، آنها بیکیه به ما خرده می گیرند و اتحاد پرولتاریا و خرده بورژوازی را در مبارزه علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی، محکوم می کنند، در بخش دیگری از اسناد مربوطه، به هنگام توضیح اهدافشان که "گذار بی واسطه به سوسیالیسم" است می نویسند: "در انقلاب ایران پرولتاریا نمی تواند تنها به ائتلاف با نیمه پرولتاریا بسنده کند، بلکه این انقلاب بر پایه بلوک دمکراتیک انقلابی پرولتاریا با خرده بورژوازی شهر و روستا می تواند بوجود آید".

این تناقض آشکار را چگونه باید تعبیر کرد؟ ما قضاوت در این مورد را به وجدان خود دوستان می گذاریم و بر می گردیم به مسئله مبارزه طبقاتی مطروحه از طرف آنان.

اشتباه منقدین ما در آنجاست که مبارزه طبقاتی را فقط در مرحله گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم صادق می دانند و تصور می کنند در مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک مبارزه طبقاتی وجود ندارد. آنها به این واقعیت کم بها می دهند که انقلاب بهمین ۵۷ خود ثمره مبارزه حاد طبقاتی بود. مبارزه ای که امروز نیز در سطح جامعه ادامه دارد.

مبارزه طبقاتی عبارت است از مبارزه ای که به اشکال مختلف بین طبقات استثمارگر و استثمار شونده جریان دارد. مبارزه طبقاتی نیروهای محرکه اساسی در تمام جوامع منقسم به طبقات متخاصم در دورانهای برده داری، فئودالیسم و سرمایه داری بشمار می رفته و می رود.

مبارزه طبقاتی در جامعه سرمایه داری موجب تکامل جامعه در شرایط نسبتا مسالمت آمیز و بویژه در مرحله طوفانی انقلاب میشود. در نظام سرمایه داری مبارزه طبقاتی در زندگی سیاسی و اجتماعی جامعه اهمیت دارد.

اعتقاد به وجود یک ضدین، یعنی تضاد میان انقلاب بورژوازی و انقلاب پرولتری و نفی یکی از مهمترین ویژگی های جنبش کمونیستی و کارگری معاصر، یعنی ترکیب مبارزه پرولتاریا در راه سوسیالیسم، با جنبش خلق

یا آن "گروه" یا "سازمان" مترادف قلمداد می شود."

حزب توده ایران در این باره چگونه می اندیشد؟ به اسناد حزبی در مورد نظر دوستانمان مراجعه کنیم.

ما نوشته ایم: "سرنوشت نهایی انقلاب ملی و دموکراتیک و سمت تکامل تاریخی و درجه پیگیری آن با امر سرکردگی (هژمونی) انقلاب ارتباط دارد. تنها سرکردگی طبقه کارگر است که پیگیری انقلاب و تعمیق خصلت خلقی و شرایط اعتلاء آن را به سوی سوسیالیسم تأمین خواهد کرد. لذا حزب ما وظیفه خود می داند که با تمام قوا در راه تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران مبارزه کند" (اسناد و دیدگاهها، ص ۶۹).

آیا از این روشن تر می توان درباره ضرورت تأمین رهبری طبقه کارگر سخن گفت؟ آیا در اینجا "تأمین رهبری صرفاً با تسلط این یا آن گروه" و یا "سازمان" مترادف قلمداد شده است؟ منقدین ما نمی توانند و یا نمی خواهند در موضوع جداگانه را از هم تفکیک کنند: خواست طبقه کارگر و امکان عملی شدن این خواست.

تأمین رهبری طبقه کارگر تنها به اراده این طبقه و خواست وی مربوط نیست. در اینجا عوامل عدیده و از آنجمله تجربه خود توده ها نیز در تحقق این رهبری شرط است. تأمین اعمال رهبری طبقه کارگر در مرحله کنونی مبارزه مستلزم یک سلسله عوامل عینی و ذهنی است. عامل عینی در این زمینه تشدید هرچه بیشتر تناقضات اجتماعی، شرکت گسترده اقشار مردم در مبارزه علیه سیاست ضد خلقی سردمداران رژیم به قصد تأمین زمینه مناسب برای تداوم انقلاب است. هم اکنون پرولتاریای صنعتی پیشقدم مبارزه در شرایط ترور و اختناق پشمار می آید. هر قدر لایه های بیشتری از خلق در مبارزات شرکت جویند، عامل عینی برای اغتال رهبری طبقه کارگر از طریق جلب اعتماد توده ها، مساعدتر خواهد شد.

بدیهی است، این عامل به تنهایی برای تأمین رهبری طبقه کارگر کافی نیست. وجود عامل ذهنی، یعنی آمادگی سیاسی و تشکیلاتی خود طبقه کارگر و توانایی عملی آن برای اعمال رهبری، در ارتباط ناگسستنی با عامل عینی است. آمادگی سیاسی و سازمانی طبقه کارگر وقتی بوجود می آید که طبقه کارگر، بویژه گردان پیشاهنگ آن، یعنی پرولتاریای صنعتی به نقش خود و وظیفه ای که در مبارزه بعهده دارد آگاه باشد، از لحاظ اندیشه و عمل در درون صفوف خود وحدت و یکپارچگی بوجود آورد و در اطراف سازمان سیاسی طراز نوین خود گرد بیاید، در جریان مبارزات خلق علیه ارتجاع حاکم در پیشاپیش همه نیروها قرار گیرد و با نشان دادن حداکثر فداکاری و از خودگذشتگی در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی، صلح و سوسیالیسم اعتماد سایر نیروها را جلب کند. حزب توده ایران که در این راه مبارزه می کند، همیشه با توطئه از راست و کارشکنی از "چپ" روبرو بوده است.

ما تردیدی نداریم، طبقه کارگر کشورمان که در جریان جنبش های انقلابی سه دهه اخیر بویژه سالهای ۵۶ و ۵۷ آبدیده شده و درسهای گرانهای آموخته و با روح میهن پرستی و احساسات انقلابی و تمایلات انترناسیونالیستی پرورش یافته است، خواهد توانست نقش تاریخی خویش را در بطن مبارزاتی که در حال حاضر در درون جامعه اوج می گیرد، ایفا کند.

ولی این امر به هیچ وجه نباید موجب آن شود که طبقه کارگر مرحله انقلاب و متحدین بالقوه خود را در پیشبرد آماجهای مورد نظر، بدست فراموشی بسپارد. مارکسیسم - لنینیسم می آموزد که سیاست و ستگیری استراتژیک صحیح حزب طبقه کارگر، باید امکانات لازم را فراهم آورد تا برنامه های سیاسی بر پایه ای طرح ریزی و تدوین گردند که اتحاد بیش از پیش صفوف نیروهای محرکه انقلاب تأمین شود. از این راه میتوان و باید وظیفه بفرنج دفاع از منافع عاجل و دراز مدت طبقات و قشرهای گونه گون اجتماعی، متحد در جبهه واحد را به انجام رساند، خواستهای جاری کارگران، دهقانان، روشنفکران و لایه های بینابینی شهر را بطور عمیق تر با هدفهای استراتژیک در آمیخت، ارتباط با توده ها را وسعت بخشید و قدرت پیکار و سطح هشیاری آنها را بالاتر برد.

آماجهای تاکتیکی و استراتژیک حزب توده ایران که در انواع برنامه های عرضه شده از جانب ما منعکس است برای دستیابی به این اهداف

هائوخطر استقلال ملی، دموکراسی و صلح اشتباه نابخشودنی است. زیرا برپایه مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و عمال محلی آنهاست که اتحاد پیروان سوسیالیسم علمی و نیروهای دموکراتیک تحقق می یابد. مبارزه برای سوسیالیسم و مبارزه در راه دموکراتیزه کردن جامعه از یکدیگر جدایی ناپذیرند. لنین بموقع خود خاطر نشان ساخت که باید "توانست مبارزه در راه دموکراسی و مبارزه در راه انقلاب سوسیالیستی را با هم در آمیخت و اولی را تابع دومی ساخت" (لنین، جلد ۴۹، ص ۳۷).

پرولتاریا در مبارزه در راه احقاق حقوق مدنی خود از اشکال گونه گون پیکار استفاده می کند. در این مبارزه توده های عظیم دهقانان تهیدست و قشرهای مترقی روشنفکران و دیگر اقشار دموکراتیک جامعه در جبهه متحد خلق به پرولتاریا می پیوندند. اگر این مبارزه طبقاتی نیست، پس چیست؟ منقدین ما مسئله دیگری را هم در ارتباط با مبارزه طبقاتی مطرح می سازند که عبارت است از مسئله ایدئولوژی. به نظر آنها ایدئولوژی جدا از مبارزه طبقاتی است.

مگر نه این است که ایدئولوژی بخشی از روبنا و دارای خصلت طبقاتی است؟ اگر دوستان ما این اصل مارکسیستی را درک کرده باشند، در اینصورت باید گفت ایدئولوژی، در آخرین تحلیل، منعکس کننده مناسبات اقتصادی - زیربنایی جامعه است. در جامعه ای که به طبقات متخاصم تقسیم شده است، یکی از اشکال مبارزه طبقاتی، پیکار ایدئولوژیک است. مارکسیسم لنینیسم ایدئولوژی علمی بیانگر منافع طبقه کارگر و اکثریت عظیم توده زحمتکش است. بنا بر این چه عیبی دارد که طبقه کارگر آنها در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک، به مثابه یکی از نیروهای ضد امپریالیستی که استخوان بندی جبهه متحد خلق را تشکیل می دهد، "در ارتباط با اصول ویژه ایدئولوژیک نمایندگانش از سایر متحدین طبیعی ضد امپریالیستی اش باز شناخته شود؟"

اگر دوستان ما آنچه را نوشته اند بار دیگر به دقت مرور کنند، حتما تجدید نظر اصولی در اندیشه های خود خواهند کرد.

در پایان این بحث تذکر یک مسئله بسیار مهم ضرور است. لنین در اثر مشهور خود "دولت و انقلاب" نوشت:

" نکته بسیار مهم در آموزش مارکس مبارزه طبقاتی است. در این باره بسیار زیاد سخن می گویند و می نویسند. ولی این نادرست است. و از همین دریافت نادرست است که پشت هم تحریف اپورتونیستی مارکسیسم و هم جعل آن در جهت قابل پذیرش کردنش برای بورژوازی پدید می آید. زیرا تئوری مبارزه طبقاتی را نه مارکس، بلکه بورژوازی پذیرفته است. کسی که فقط مبارزه میان طبقات را می پذیرد هنوز مارکسیست نیست و چه بسا ممکن است هنوز از چارچوب تفکر بورژوازی و سیاست بورژوازی بیرون نرفته باشد. محدود ساختن مارکسیسم به تئوری مبارزه طبقاتی معنایش مثله کردن مارکسیسم، تحریف آن و تنزل آن به سطحی است که برای بورژوازی پذیرفته شده باشد. مارکسیست فقط کسی است که پذیرش مبارزه میان طبقات را به پذیرش دیکتاتوری پرولتاریا برساند." (لنین، "دولت و انقلاب" از انتشارات حزب توده ایران، ص ۴۰).

لنین ضمن تشریح سه شکل عمده مبارزه پرولتاریا در راه رهایی خویش یعنی مبارزه اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک تصریح می کند که طولانی ترین و دشوار ترین این سه شکل مبارزه، مبارزه ایدئولوژیک است. پرولتاریا فقط در صورتی می تواند در این پیکار پیروز شود که همواره به تئوری مارکسیستی - لنینیستی وفادار باشد. به همین جهت مبارزه قاطع حزب ما در راه حفظ و پاکیزگی تئوری مارکسیستی - لنینیستی و مساعی آن برای تلاشهایی که رویونیست ها و سکتاریست ها برای تحریف این تئوری بکار می برند، دارای اهمیت عظیم بوده و هست. لنین خاطر نشان می سازد که مارکسیسم در جریان این مبارزه از آن جهت رشد یافت و تقویت پذیرفت که "اختلاف نظرها را لایوشانی نکرد و به نیرنگ های دیپلماتیک نپرداخت..." (لنین، مجموعه آثار، جلد ۵، ص ۲۹۵-۲۹۴).

رهبری طبقه کارگر

در انتقاد از مارکسیسم توده ای ها چنین می خوانیم: "... در این نوع مارکسیسم شعار رهبری طبقه کارگر با ناتوانی در مبارزه دموکراتیک یکسان است. زیرا از دیدگاه این نوع "مارکسیسم" تأمین رهبری صرفاً با تسلط این

اوضاع نابسامان بلوچستان و وظائف نیروهای مترقی

بقیه از صفحه ۱

منظور تماسهایی با سلطنت طلبان فراری منطقه که اغلب به پاکستان و برخی از کشورهای مرتجع منطقه خلیج فارس گریخته بودند گرفته و به آنها اطلاع داده است که می‌توانند در پناه جمهوری اسلامی به بلوچستان بازگردند و به غارت مردم همانند گذشته "زمان شاه معدوم" ادامه دهند. رژیم، انگیزه خود را برای بازگرداندن و مسلح کردن دشمنان خلق بلوچ به آنها اطلاع داده و وعده کرده است که پول لازم را برای استخدام مزدور و تامین سلاح در اختیارشان بگذارد. رژیمهای ارتجاعی منطقه در این مورد همه گونه هماهنگی را با حکام جمهوری اسلامی دارند."

سازمان جنبش خلق بلوچ هشدار داده است که "در ادامه همین تلاشها معروفترین و منفورترین چهره‌های به اصطلاح سیاسی دوران شاهنشاهی در نوار مرزی ایران و پاکستان مستقر شده‌اند و به داخل بلوچستان در رفت و آمدند. تمام این رفت و آمدها در جهت تبلیغ و سازماندهی نیروهای ضد مردمی است. در واقع بین سلطنت طلبها و جمهوری اسلامی برای جلب هرچه بیشتر مزدورانشان بمنظور سرکوب حرکتیهای آزادیخواهان مردم بلوچستان نوعی رقابت وجود دارد."

سازمان جنبش خلق بلوچ، تلاشهای ج.ا.و سلطنت طلبان را علیه خلق بلوچ دوروی یک سکه تقلبی عنوان کرده و ضمن هشدارهای بجایه موقع پرده از برخی فعالیت‌های ضد مردمی ضد انقلاب و رهبران ج.ا.و و حکومت‌های ارتجاعی وابسته به امپریالیسم برداشته است. در این اطلاعیه اشاره

شده است: "ما اطلاع داریم که اخیراً چندین محموله سلاح از جانب حکومت‌های مرتجع منطقه خلیج فارس وارد خاک بلوچستان شده و در اختیار سلطنت طلبها و مزدوران استخدام شده توسط آنها در منطقه گذاشته شده است. این تلاشها نشان می‌دهد که نگرانی امپریالیسم جهانی و خصوصاً آمریکا نسبت به آینده جنبش ملی-دموکراتیک بلوچستان بسیار جدی است و همین نگرانی سبب حرکتها و توطئه‌های ارتجاع منطقه و نوکران آمریکا و دیگر امپریالیستها در ناحیه خلیج فارس شده است. در واقع آنها به دستور امپریالیسم جهانی بیه یاری توطئه‌گران مستقر در پاکستان و حتی داخل خاک بلوچستان شناخته‌اند. همدردی و اعلام پشتیبانی از پاکستان در ادامه تقویت و حمایت از حرکتیهای ضد مردمی در بلوچستان می‌تواند دلیل دیگر این تلاشها باشد."

سازمان جنبش خلق بلوچ "بلوچ راج زرمیش" ایران، ضمن دعوت از همه نیروهای مترقی و مبارز ایران در افشاء جنایات رژیم ج.ا.و در بلوچستان، اعلام کرده است که "رژیم جمهوری اسلامی تلاش دارد از همه امکانات خود برای مخفی نگهداشتن فجایعی که در بلوچستان مرتکب می‌شود، استفاده کند... که اینگونه اعمال ننگین را از انظار جهان پنهان دارد. بنابه اعتراف سخنگویان رژیم ضد خلقی، فقط در سال جاری (۱۳۶۳) بیش از ۱۶ هزار نفر در منطقه سیستان و بلوچستان دستگیر شده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی می‌گوید که این عده در طرح مبارزه با مواد مخدر

و ... دستگیر شده‌اند. ما فقط برای افشای گوشه‌ای از این فریبکاری اعلام می‌داریم که توزیع و پخش مواد مخدر در بلوچستان به ارزانترین قیمت و حتی می‌توان گفت به صورت مجانی با چنان وسعتی جریان دارد که هزاران کودک (۱۱-۱۲ ساله نیز به اعتیاد کشیده شده‌اند. سازمان ما این توزیع وسیع مواد مخدر در بلوچستان را گوشه‌ای از توطئه رژیم برای از پا درآوردن نسل جوان و اعمال هرچه بیشتر ستم ملی می‌داند. رژیم از یکسو بدین شکل نیروی جوان بلوچستان را می‌خواهد زمین گیر کند و از سوی دیگر بی‌وقفه به یورش برای دستگیری نیروهای متشکل در سازمانهای مترقی و مبارز ادامه می‌دهد. ما اطلاع داریم که اکنون بیش از سه هزار نفر از شریفترین فرزندان زحمتکشان بلوچستان به جرم آزادی خواهی و مبارزه سیاسی در جهت آگاه ساختن خلق بلوچ به حقوق تاریخی‌شان در زندانهای رژیم به سر می‌برند. اتهام آنها تماس و عضویت در گروهها و سازمانهای سیاسی و از آن جمله سازمان "جنبش خلق بلوچ" می‌باشد."

در چنین اوضاع و احوال نابسامانی تنها برپایه اتحاد نیروهای مترقی، مبارزه مشترک آنها، از جمله در افشاء جنایات رژیم، خانها و سلطنت طلبان در حال بازگشت و ارتجاع وابسته به امپریالیسم در منطقه علیه مردم بلوچستان همچنین سازماندهی مردم و دفاع از خواستههای حق طلبانه خلق بلوچ دایر بر خودمختاری در چهارچوب ایرانی ملی و دموکراتیک، می‌تواند نتایج و ثمرات مثبت و درخشانی در پی داشته باشد.

تظاهرات ضد جنگ در بن-پایتخت آلمان غربی

شهر بن پایتخت آلمان فدرال روز شنبه ۱۰ فروردین (۲۰ مارس)، شاهد تظاهرات بزرگی بود که از سوی سازمانهای حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان فدرال ترتیب داده شده بود. در این تظاهرات که در اعتراض به ادامه جنگ خونین و بی‌سرانجام ایران و عراق، بمباران شهرها و مراکز مسکونی دو کشور و کشتار مردم بیگناه ایران و عراق برگزار شد، بیش از هزارتن از اعضا و هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ایرانیان آزادیخواه و مردم مترقی آلمان فدرال شرکت داشتند.

شرکت کنندگان در تظاهرات پلاکارتهایی حمل می‌کردند که بر روی آنها شعارهایی به دو زبان آلمانی و فارسی نوشته شده بود. از جمله: "برای صلح جهانی مبارزه کنیم"، "به جنگ بی‌معنای ایران و عراق پایان دهید"، "بمباران مناطق مسکونی را قطع کنید"، "آزادی همه زندانیان سیاسی"، "برقرار باد جبهه متحد خلق"، "متحد شویم، به حکومت ارتجاع پایان دهید". شعارهای کوپنده شرکت کنندگان در تظاهرات که در تمام مسیر راهپیمایی، با صدایی

پرطنین و رسا، با مشت‌های گره کرده ادا می‌شدند، افشاگر اعمال جنایتکارانه رژیم های ارتجاعی حاکم بر ایران و عراق در کشتار مردم بیگناه و بی‌دفاع دو کشور بود.

اعلامیه مشترک سازمانهای حزب توده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان فدرال و سازمان حزب کمونیست عراق در آلمان فدرال و برلن غربی در طول مسیر راهپیمایی میان شهروندان آلمانی پخش شد و با استقبال آنها روپروگردید. آنان ضمن تأیید مفاد اعلامیه، حمایت خود را از خواستههای شرکت کنندگان در راهپیمایی مبنی بر قطع بمباران مناطق مسکونی و پایان جنگ ایران و عراق اعلام می‌کردند.

نقطه پایان تظاهرات میدانی در مرکز شهر بن بود. در این محل قطعنامه شرکت کنندگان در تظاهرات خوانده شد. این قطعنامه ضمن بیان تاریخچه کوتاهی از جنگ ایران و عراق و خسارات انسانی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی که به مردم دو کشور وارد کرده است به تشریح علل اصرار رژیم خمینی در ادامه جنگ و خطراتی که ادامه آن برای صلح منطقه و جهان دارد پرداخت.

اجلاس هیئت رئیسه

بقیه از صفحه ۱

متذکر شد که برای خروج از بن بست، راهی جز اعلام آتش بس فوری در سراسر جبهه و آغاز مذاکرات مسالمت آمیز میان دو کشور برای حل اختلافات موجود وجود ندارد. این مذاکرات باید بر اساس حق حاکمیت ملی و رعایت تمامیت ارضی طرفین انجام شود. این اظهارات نماینده شورای صلح ایران، مورد تأیید همه جانبه حاضران در اجلاس هیئت قرار گرفت.

جلسه هیئت رئیسه شورای جهانی صلح، با صدور اعلامیه‌ای زیر عنوان: "چهلین سالروز غلبه بر فاشیسم را به سال پیروزی بر خطر جنگ هسته‌ای تبدیل کنیم"، به کار خود پایان داد.

در قطعنامه از جمله آمده است:

- تقاضای دیپروکل سازمان ملل متحد، پرزود و کوئیاری، مبنی بر قطع بمباران شهرها و مناطق مسکونی باید بدون فوت وقت به اجرا درآید.

- جنگ ایران و عراق، باید بر اساس احترام به استقلال و تمامیت ارضی دو کشور و بر مبنای منافع خلق های ساکن ایران و عراق بیدرتگ پایان یابد.

به مامی نویسند

شرکت وابسته در حال ورشکستگی

شرکت تولیدی پیام (تلویزیون بلموند) در حال ورشکستگی است. مواد اولیه این کارخانه از ایتالیا و ژاپن و یوکسلاوی وارد می‌شد که حالا نمی‌شود. ۷۰ نفر از کارگران مرد این شرکت از کار اخراج شدند و تعدادی از زنان کارگر به "جهاد" منتقل گردیدند. شورای کارگری این شرکت منحل و انجمن اسلامی جانشین آن شد. معظی مدیر عامل این شرکت در تهدید به کارگران که از رفتن به جبهه خودداری کرده و خواستار افزایش حقوق اند، گفت که آنها را از نان خوردن خواهد انداخت. یکی از زنان منتقل شده به "جهاد" که مجبور به حمل کیسه های سی کیلویی برنج شده بود در اثر سنگینی بار سقط جنین کرد.

تظاهرات زنان زندانی

اواسط دی ماه در زندان مرکزی دژبان واقع در انتهای خیابان دکترفاطمی و جنب پادگان جمشید آباد تعداد زیادی از زنان زندانی تظاهرات کردند و با شعارهای "آزادی، برابری، زندگی" و "مرگ بر ارتجاع حاکم" مسئولین زندان را مورد اعتراض شدید قرار دادند. پاسداران به کمک سربازان دژبان آمدند و به زور مشت و لگد زندانیان سیاسی زن را با چند مینی بوس به مکان نامعلومی منتقل کردند.

در بیمارستان ۵۰۲ ارتش

مسئولین بیمارستان ۵۰۲ ارتش در جلسه ای با شرکت متقاضیان مسکن اعلام داشتند که می‌توانند برای خرید واحدهای مسکونی نیمه تمام با مشخصات زیر ثبت نام کنند: قیمت در واحد ۱۵۰ متری ۹۰۰ هزار تومان، پیش قسط آن ۲۵۰ هزار تومان، قسط دوم آن ۷۰ هزار تومان و اقساط ماهیانه برای هر واحد ۱۱ هزار تومان. قیمت هر واحد ۴۰۰ متری بیش از دو میلیون تومان، پیش قسط ۸۰۰ هزار تومان ... این واحدها نیمه تمام است و تا سه سال دیگر آماده تحویل خواهد شد. متقاضیان مسکن با فریادهای اعتراض آمیز که "این خانه ها به دردوزرا و فرماندهان ارتش می‌خورد، نه ما جلسه را ترک گفتند. یکی از متقاضیان در میان جمع گفت تنها دزدها و رشوه خواران می‌توانند چنین پولهایی داشته باشند. آنها هم که تعدادشان در ارتش کم نیست.

بازگشت سرمایه داران

گفته میشود که کارخانه های ملی شده "مینو" و "روغن نباتی شاه پسند" به صاحبان اولیه آنها

پس داده خواهد شد، "طبرسی" نماینده "الیس چالمرز" و "سیعی" یکی دیگر از سرمایه داران فراری برای بازپس گرفتن اموال خود به مسئولین مراجعه کرده اند، دکتر حسین خطیبی رییس شیر و خورشید سرخ و نایب رییس مجلس شورا در زمان شاه از زندان آزاد شده و قرار است دارایی خود را پس بگیرد.

عوارض "آسپیرین ایران"

"آسپیرین ایران" یکی از داروهایی است که به بازار عرضه شده است. سرعت جذب این قرص خیلی زیاد است و موجب تشنج عصبی در بدن و خوریزی معده می‌شود. گروه زیادی از مراجعین بیمارستانها و اورژانسها در زمره افرادی هستند که دچار عوارض مصرف آسپیرین ایران شده اند.

چند خبر کوتاه

- سه نفر از نمایندگان مجلس در یک ضیافت شام گفتند: جمهوری اسلامی به درختی می‌ماند که ریشه آن پوسیده است، مانی دانیم که چرا این درخت نمی‌افتد؟

- گازوئیل و نفت بشدت کمیاب است. درجاده ها تریلرها و کامیونها در انتظار دریافت گازوئیل چند روز منتظر نوبت می‌شوند. گازوئیل در بازار سیاه به قیمت های سرسام آور خرید و فروش می‌شود.

- به علت وارد نشدن داروی مخصوص ضد ملخ که مورد استفاده مرغدارها است میلیونها جوجه در کرچ تلف شدند.

- بیماری سل در کشور گسترش یافته است. در رادیو و تلویزیون مرتباً درباره نحوه پیشگیری از سل صحبت می‌شود. تاکنون چند نفری در اثر این بیماری از بین رفته اند.

مثل قوپس داده شد

"جمشید جوانشیر" شریک حمید رضا پهلوی برادر شاه و صاحب شرکت مثل قو (ساقی کلاسیر) مرکز قمار و تفریح اشراف رژیم شاهنشاهی، که اکنون "سلطان شهر" نام گرفته است پس از گرفتن ۴۰ میلیون تومان خسارت به این محل بازگشت. برخی از "حزب الهی" ها با جشن و سرور از او استقبال کردند. وی گفته است که ۲۰ میلیون از خسارت دریافت شده را به عنوان کمک به جبهه به حساب "آیات عظام" ریخته است. شخص یاد شده علاوه بر داشتن کارخانه چوب بری در سلمان شهر، دارای یک پمپ بنزین، چند مسافرخانه و قمارخانه، بیش از ۵۰۰ هکتار باغ مرکبات و ۸۰۰ واحد مسکونی بوده است. مثل قو در سال ۱۳۴۱ با سرمایه ای در حدود ۲۰ میلیون تومان ساخته شد و بعدها بخشی از سهام آن را حمید رضا پهلوی خرید.

تظاهرات در برابر سفارت ج.ا. درین



بنسابت سالگرد اعدام خائنه ده تن از افسران میهن پرست و کادرهای حزب توده ایران، از سوی هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تظاهراتی در برابر سفارت جمهوری اسلامی در بن سازمان داده شد. شرکت کنندگان در این گردهمایی اعتراضی با پخش اعلامیه و بگردن آویختن شعار و پوستر و جمع آوری امضاء علیه جنایات ددمشانه گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی، مردم جمهوری فدرال آلمان را با تبه کارهایی که از سوی تاریک اندیشان حاکم بر ایران نسبت به توده های زحمتکش خلق و عناصر انقلابی و دمکرات و علیه زندانیان سیاسی انجام می‌گیرد آگاه ساختند. نظیر این تظاهرات در هامبورگ هم صورت پذیرفت.

در بن علاوه بر رفقای توده ای و فدایی، گروهی از دیگر ایرانیان ترقیخواه و دمکراتهای آلمانی نیز شرکت داشتند.

متن قطعنامه ای که از سوی شرکت کنندگان در تظاهرات اعتراضی تهیه شده بود به مرکز خبرگزاری ها در بن فرستاده شد.

در پایان مراسم چندتن از شرکت کنندگان در تظاهرات خواستار دیدار با سفیر ج.ا. و تسلیم قطعنامه اعتراضی به او شدند ولی سفیر از پذیرفتن آنان و گرفتن قطعنامه امتناع کرد.

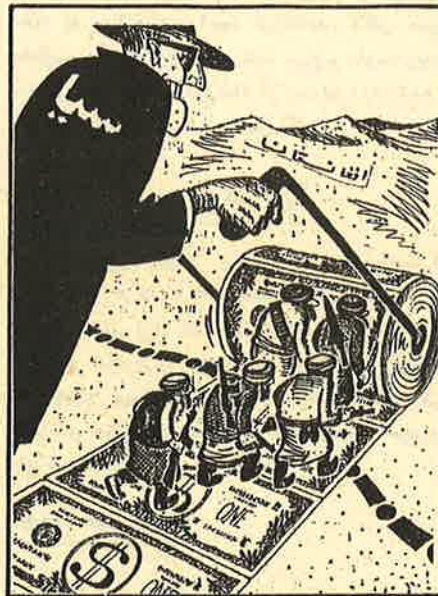
وظائف فعالین صنفی

بقیه از صفحه ۲

۶- به کارگران توضیح دهند که خرید چند برگ سهام نیز درد آنها را دوا نخواهد کرد. رژیم جنایتکار ولایت فقیه می‌خواهد کرک و میش را با هم آشتی دهد تا راحت تر کارخانه ها را به سرمایه داران واگذار کند.

۷- اعضاء حزب و هواداران در هر واحد علاوه بر فعالیت در زمینه های فوق باید با مراعات پنهانکاری افشاء سیاست ضد مردمی رژیم، در انعکاس خواستهای کارگران، سازمان دادن اعتراضات کارگران، فعال ترین افراد باشند و گزارشهای برپایی مراسم، خواستهای کارگران و برخورد ارگان های سرکوبگر را سریعاً برای رهبری حزب ارسال دارند.

کتاب سفید درباره اعمال "سیاه"



به نوشته روزنامه‌های آمریکایی "کمک سری" "سپا" به ضدانقلابیون افغانی، به بزرگترین کمک سری ایالات متحده آمریکا در دوران پس از جنگ ویتنام تبدیل شده است.

"مدرسه عالی نظامی" ویژه آموزش و تربیت سرکردگان باندها سرگرم فعالیت هستند. در هردوی این مدارس مربیان آمریکایی و غیره تعلیم می‌دهند.

حکام پاکستان، جنگ افزارها و تجهیزات نظامی مورد استفاده دشمنان افغانستان را مستقیماً تا سرحد حمل می‌کنند و در آنجا تحویل کاروان‌هایی که عازم افغانستان هستند، می‌دهند. برای باندهایی که در مناطق شمال باختری مستقر هستند، سلاح‌ها از طریق ایران حمل می‌شود.

تحریرات مستقیم نظامی رژیم پاکستان افزایش می‌یابد. نقاط مسکونی نوار مرزی افغانستان کلوله باران می‌شوند. هواپیماهای افغانی مورد حمله قرار می‌گیرند. نیروی هوایی پاکستان بطور منظم به حریم هوایی و نظامیان پاکستان به خاک افغانستان تجاوز می‌کنند.

کتاب سفید خاطر نشان می‌سازد بر اساس اصول مناسبات بین المللی اعلام شده از سوی سازمان ملل متحد هیچ دولت یا گروه دولت‌ها حق دخالت مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر را ندارند. هیچ دولتی نباید فعالیت خرابکارانه، تروریستی و یا مسلحانه‌ای با هدف سرنگونی قهرآمیز نظام دولت دیگر را سازمان دهد.

پاکستان این اصول را نادیده می‌گیرد و بدینسان به موازین حقوق بین المللی پشت پامی‌زند.

وزارت امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان، کتاب سفیدی پیرامون فعالیت ضدانقلابی رژیم نظامی پاکستان منتشر ساخت. در این کتاب گفته می‌شود مناسبات خصمانه هیئت حاکمه پاکستان نسبت به دولت افغانستان دارای پیشینه تاریخی طولانی است. در سال ۱۹۷۳ پس از سرنگونی رژیم سلطنتی در افغانستان، سازمانهای ویژه پاکستان توطئه‌های چندی را برای تضعیف نیروهای مترقی در افغانستان ترتیب دادند. درست در این سالها و نه چنانکه برخی تصور می‌کنند بعد از انقلاب آوریل ۱۹۷۸، کلبدین حکمت یار، رهبر تبهکار "حزب اسلامی افغانستان" کنونی، در پاکستان مرکز توطئه خود را براه انداخت.

امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، پاکستان را به پایگاه جنگ اعلام نشده علیه افغانستان تبدیل کرد. دهها سازمان ضدانقلابی در این کشور بوجود آمد. مرکز سازمانی این دشمنان خلق افغانستان در شهر پیشاور قرار دارد.

حکام "اسلام آباد" برای جلب "آوارگان" افغانی به گروههای ضدانقلابی، آنها را تحت فشار می‌گذارند. تنها بخشی از "آوارگان" آگاهانه قدم در راه مبارزه علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان می‌نهند. فعالین ضدانقلابی اساساً ملاکین فراری و دیگر لایه‌های ممتاز هستند. سرنوشت بخش بزرگی از توده‌های افغانی که ناگزیرند در آنسوی مرزهای میهن بسر برند، واقعا دردآور است. بخشی از توده‌های افغانی فریب تبلیغات دشمن را خورده‌اند و بخش دیگر پیش از انقلاب برای یافتن کار از کشور خارج شده بودند.

در شرایط کنونی، دولت افغانستان آزادی و مصونیت افغانی‌هایی را که از پاکستان و یا دیگر کشورهای همسایه به آغوش میهن بازگردند، تضمین می‌کند. ولی "اسلام آباد" آگاهانه در برابر آنهايي که صادقانه خواهان بازگشت به وطن هستند، موانع پرشماری بوجود می‌آورد. سازمانهای ویژه پاکستانی در اردوگاه‌های "آوارگان" شبکه وسیعی برای شکار اینگونه افراد به وجود آورده‌اند. در بسیاری موارد مرزبان‌های پاکستانی گروههای افغانی را که تصمیم به بازگشت به میهن خود داشته‌اند، بازداشت و حتی اعدام کرده‌اند.

در "کتاب سفید" آمده است که نقش عمده "اسلام آباد" در جنگ اعلام نشده علیه افغانستان تربیت باندهای ضدانقلاب، تامین جنگ افزار و تجهیزات برای آنها است. مثلاً در مرکز آموزشی "جامعه اسلامی افغانستان"، واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی پیشاور، "مدرسه نظامی" برای تربیت کادرهای عادی باندها و

اعتراض نیروهای مترقی در هند

کارزار پرشور همبستگی و پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران و اعضای درهند حزب توده ایران همچنان در سطحی گسترده ادامه دارد و پیوسته احزاب رو سازمان‌ها و شخصیت‌های مترقی و آزادیخواه بانگ اعتراض خود را علیه سیاست شکنجه و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی رساتر می‌سازند.

"انجمن وکلای ترقی خواه تامیل نادو در نامه خود به نخست وزیر هند و دبیرکل سازمان ملل متحد می‌نویسد:

"ما اعضای انجمن وکلای ترقی خواه تامیل نادو در شهر مدرس، از شما تقاضا می‌کنیم تا با دخالت خود به اعدامهای وحشیانه، شکنجه و دادگاههای فرمایشی که در مورد رهبران حزب توده ایران و دیگر سازمانهای میهن پرست از سوی حکومت جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌شود، پایان دهید. دلطانه تریبی دهید تا یک هیئت بین المللی از وکلا، پزشکان و خبرنگاران جهت گفتگو و معاینات پزشکی و بررسی شرایط زندانیان به ایران اعزام شوند."

- رامانرمانان، شاعر و شخصیت نامدار از ایالت تامیل نادوی هند، با ارسال نامه‌ای به ریاست جمهوری و نخست وزیر هند و دبیرکل سازمان ملل متحد خواستار اقدامات جدی از سوی این مراجع و آزادی زندانیان سیاسی ایران شد.

درباره برخی مسائل

بقیه از صفحه ۵ است. اما منقدین ما که از درک مسائل عادی در مسئله انقلاب عاجزند، می‌نویسند: "این نوع مارکسیسم فاقد برنامه است و صرفاً به چند شعار که هویت ضدامپریالیستی، دمکراتیک و مردمی آن را تصریح نماید، نیازمند است."

ما نیازی نمی‌بینیم که به این تحریف آشکار سیاست حزب توده ایران پاسخ دهیم. حزب ما یگانه سازمان سیاسی است که انواع برنامه‌ها در کلیه زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، سیاست داخلی و خارجی بقصد تحول بنیادی در جامعه عرضه داشته است. ما به دوستان خود توصیه می‌کنیم کتاب "طرح‌های پیشنهادی حزب توده ایران در باره دگرگونی و نوسازی جوانب گوناگون جامعه" (انتشارات حزب توده ایران، در ۱۵۵ صفحه) را با دقت مطالعه کنند تا به اشتباه خود پی ببرند.

حزب توده ایران در این برنامه‌ها ضمن بررسی عمیق علل وجود و بروز مشکلات، نقائص، کمبودها، و بالاخره بحران‌ها، راه حل مشخص کوتاه مدت و دراز مدت را برای غلبه بر آنها در جهت تداوم انقلاب ارائه داده است.

ادامه دارد

NAMEH MARDOM No: 44	P. B. 49034 10028 Stockholm #9 Sweden
	4 APRIL, 1985

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان!